

متن کامل نامه بوش به احمدی نژاد را اندکی پیش روزنامه ایچنا- چاپ شانگهای- مخابره کرد. در این نامه آمده است:

«آقای محمود احمدی نژاد

رییس جمهور جمهوری اسلامی ایران؛

نامه ارسالی شما از طریق سفارت سوییس، حافظ منافع ایالات متحده امریکا در ایران، دریافت شد. بسیار خوشحال هستم که سرانجام باب تعامل و گفتگو بین دو کشور بزرگ و اثرگذار جهان یعنی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا با این نامه باز شده است. همچنین درایت شما را در تنظیم آن متن مصلحانه می‌ستایم که به جای پرداختن به مسایل بی اهمیتی نظیر نفت به دغدغه‌های بزرگتر بشری پرداخته بودید. این نشان می‌دهد که ما و شما در یک چیز با هم اتفاق نظر داریم و آن همان است که شما ایرانی‌ها به آن "کار را به کاردان بسپار" می‌گویید. به عبارت بهتر شما قبول دارید که دخالت در کارهای کم اهمیت مربوط به زمین بر عهده ما باشد و تعیین تکلیف در مورد امور آسمانی به عهده شما. کاملاً موافقم به شرط آنکه به کاهش بهای نفت کمک کند!

آقای رییس جمهور

گمان می‌کنم - فارغ از اوضاع و افکار عمومی حاکم بر تهران و واشینگتن- من و شما در بسیاری از مسایل مثل هم فکر می‌کنیم.

مثلاً شما از این نگران هستید که ما عراق را ۵۰ سال به عقب برگردانیم و ما هم از این نگران هستیم که شما ایران را ۵۰ سال به عقب برگردانید! شما نگران این هستید که ما صدها میلیارد دلار از خزانة چند کشور بیگانه برداریم و صرف هزینه‌های خودمان غیر ضروری کنیم و ما هم نگران این هستیم که شما صدها میلیارد دلار از خزانة کشور خودتان بردارید و صرف هزینه‌های نامربوط دیگران کنید!

یا مثلاً شما از من می‌پرسید: "چرا چنین مخالفت گسترده‌ای با برگزاری همه پرسی انجام می‌شود؟" و من هم از شما می‌پرسم "چرا چنین مخالفت گسترده‌ای با برگزاری همه پرسی انجام می‌شود؟" منتها شما از رییس جمهور امریکا در مورد همه‌پرسی در "فلسطین" می‌پرسید و من از رییس جمهور ایران در مورد همه‌پرسی در "ایران"!

در حقیقت حتی من فکر می‌کنم که ما حتی در مورد مساله اسرائیل هم یکسان عمل می‌کنیم: من طوری در مورد اسرائیل و هویت تاریخی آن صحبت می‌کنم که در نهایت به سود منافع امریکا باشد و شما هم طوری در مورد اسرائیل و هویت تاریخی آن حرف می‌زنید که در نهایت به سود منافع امریکا باشد!

آقای رییس جمهور احمدی نژاد

قطعاً می‌دانید که من نه آموزگارم و نه مانند شما سواد آکادمیک و دانشجو دارم. اما تا آنجا که آقای سازگارا به من گفته‌اند شما در رشته مهندسی عمران که یک رشته فنی است تحصیل کرده‌اید و در دانشکده‌ای فنی از دانشگاه علم و صنعت نیز تدریس کرده‌اید. بنابراین من نمی‌فهمم که چطور دانشجویان مهندسی، در کلاس‌های فنی با شما

که معلم‌شان بوده‌اید در مواردی نظیر سیاست‌های امریکا، صلح جهانی، آموزه‌های مسیح(ع) و لیبرالیسم بحث می‌کرده‌اند و شما نیز تاریخ جنگ‌های جهانی و هولوکاست را به آنها آموزش می‌داده‌اید!

آیا مفهوم "رشته‌های مهندسی" در ایران به معنای همان چیزی است که در سایر جاهای دنیا به آن "علوم انسانی" می‌گویند؟ یا واقعا شما به کسی که قرار است سد و جاده و ساختمان بسازد در مورد تاریخ و فلسفه و دین و سیاست آموزش می‌دهید؟! اگر اینگونه است پس بی‌جهت نیست که چند برابر تلفات کل ارتش‌های خاورمیانه و آسیا، هر سال تلفات جاده‌ای دارید و با هر زلزله‌ی متوسطی، ده‌ها هزار نفر در ایران کشته می‌شوند!

آقای احمدی‌نژاد عزیز

البته نمی‌خواهم با این نامه در امور داخلی کشور شما دخالت کنم و اصولاً گزینه نظامی را ترجیح می‌دهم ولی به آن دسته از مردم و یا دانشجویان که به نوشته شما دایماً "نقشه ۶۰ سال پیش جهان را نگاه می‌کنند و دنبال اسرائیل می‌گردند و نمی‌توانند آنها پیدا کنند" توصیه می‌کنم تعداد کشورهای جهان در آن تاریخ را از روی نقشه‌ها و کره‌های قدیمی بشمارند و با تعداد کشورهای جهان در حال حاضر مقایسه کنند، تا آرام بگیرند و بگذارند ما هم آرام باشیم.

گذشته از اینها من گمان می‌کنم بهتر است اگر برایتان مقدور نیست تا به دانشجویان رشته‌های مهندسی‌تان درس‌های فنی بیاموزید، دست کم تعدادی نقشه و کره جغرافیایی جدید برای آنها تهیه کنید تا این قدر مجبور نباشند اسرائیل را بر روی نقشه‌ها و کره‌های ۶۰ سال پیش پیدا کنند! (ایالات متحده امریکا حاضر است تحریم‌های ایران را در خصوص فروش تعداد معدودی نقشه و کره جدید توسط شرکت‌های امریکایی به موسسات ایرانی را لغو کند به شرط آنکه ایران هم کلیه فعالیت‌های غنی‌سازی خود را فوراً به حالت تعلیق درآورد!)

آقای محمود احمدی‌نژاد

شما در نامه‌ی طولانی‌تان يك سطر را به مسایلی که باید برای ایرانی‌ها خیلی مهم باشد مثل "کودتای ۱۳۳۲ و به تبع آن سرنگونی رژیم مشروع وقت، مخالفت با انقلاب اسلامی، تبدیل سفارت به مقر حمایت از فعالیت‌های مخالفان جمهوری اسلامی، حمایت از صدام در جنگی که علیه ایران به راه انداخت، مورد اصابت قرار دادن هواپیمای مسافربری ایرانی و مسدود کردن دارایی‌های ملت ایران" اختصاص داده‌اید و در مقابل ۱۲ صفحه در مورد مسایلی که برای شهروندان امریکایی مهم است مثل وضعیت روحی سربازان امریکایی در عراق، هزینه‌های سرسام‌آور جنگ عراق و دفاع از اسرائیل برای مالیات‌دهندگان امریکایی، یازده سپتامبر و عوامل آن، کودتاها در امریکای لاتین، بی‌خاتمانهای ایالات متحده و دستورات عیسی مسیح(ع) نوشته‌اید.

این نشانه حسن نیت شماست و من از طرف ملت و دولت امریکا از شما سپاسگزارم که حتی در این شرایط بحرانی و در این مجال و موقعیت تکرار ناشدنی نیز، آنقدر مهربان و از خودگذشته‌اید که به جای کشور و ملت خودتان به فکر ایالات متحده و ساکنان آن هستید. مطمئن باشید هیچ رییس‌جمهور در طول تاریخ مانند شما عمل نخواهد کرد!

همکار عزیز

متأسفانه بیش از این وقتی برای پاسخ به نامه شما ندارم و باید برای گروهی از نیروی دریایی که در قالب سه ناو هواپیمابر عازم خلیج همیشه فارس ایران هستند، عازم یکی از بنادر شوم. به هر حال صمیمانه‌ترین تشکرات خود و همکارانم به ویژه خانم رایس را از اینکه با درک موقعیت ما، نامه‌تان را طوری تنظیم کردید که کوچکترین خللی در تلاش‌های ما در خصوص اجماع جهانی بر علیه ایران وارد نساخت، تقدیم دارم.

با سپاس و احترام

جورج بوش کوچک

رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا

پی‌نوشت: راستی دوست عزیز

چون نه در آمریکا و در هیچ کجای جهان، هیچ سفارتخانه و حتی شخصی حافظ منافع ایران نیست؛ مجبورم این نامه را با یک کبوتر ارزان قیمت چینی بفرستم یا اینکه وقتی خودم آمدم ایران آنرا بهت تحویل بدهم. امیدوارم راه اول کمتر طول بکشد!

جورج»